

معافیت از مجازات

در اثر اقرار

در قوانین مجازات عمومی موادی است که بموجب آن هرگاه یکی از مرتکبین جرم قبل از تعقیب بدولت اطلاع بدهد و با اعتراف خود موجبات تسهیل تعقیب شرکاء و همدستان خود و متهمین دیگر را فراهم نماید از مجازات معاف خواهد بود .

مواد مذکور از اینقرار است :

(ماده ۱۰۱ - قانون مجازات عمومی . اشخاصیکه مرتکب جرائم مذکوره در مواد سابقه شده اند هرگاه قبل از تعقیب بدولت اطلاع دهند و سایر مرتکبین را در صورت بودن معرفی کنند یا بعد از تعقیب وسائل دستگیری آنها را فراهم نمایند از مجازات معاف خواهند گردید)

مقصود از مواد سابقه در ماده فوق مواد مربوط بجعل و تزویر است همچنین در ماده زیر نیز معافیت از مجازات پیش بینی شده . (جزء ۱۴ از متمم قانون دیوان جزای عمال دولت مصوب ۳۰ آبان ۱۳۰۸ هر شریک اختلاس که قبل از تعقیب پیار که دیوان جزا از وقوع اختلاس اطلاع داده و بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب شرکاء خود را فراهم نماید شخصاً از تعقیب جزائی معاف خواهد شد)

(ماده واحده مصوب مرداد ۱۳۲۲ . در جرائم مربوط باموال هرگاه پیش از يك نفر مداخله داشته و قبل از کشف قضیه یکی از متهمین مأمورین تعقیب را از وجود جرم مسبوق نموده و یا در ضمن تعقیب بواسطه اقرار خود موجبات تسهیل تعقیب سائیرین را فراهم نماید و یا مأمورین دولت را بنحو مؤثری در کشف جرم کمک و راهنمایی کند بنا بر پیشنهاد وزیر دادگستری

و تصویب هیئت وزیران از تعقیب معاف خواهد بود) .
 مقصود از این مقاله آن نیست که در باب لزوم بقاء یا حذف مواد مزبور از قوانین کیفری بحث شود بلکه در اینجا میخواهم از اثر اعترافی که در نتیجه استفاده از مواد مزبور حاصل میشود بحث نمایم زیرا در سنوات اخیر موضوع استفاده از مواد مزبور بدفعات پیش آمده است و مخصوصاً در پرونده هائی دیده شده که عدّه از باز پرس ها باشخاص زیاد اصرار برای استفاده از مواد مزبور میکنند تا اسهل طرق را پیموده باشند زیرا اظهارات یکی از متهمین را اعتراف دانسته و با استناد آن جرم را محقق پنداشته و مخصوصاً در اینگونه موارد خود را بی نیاز از تجسس برای ادله و مدارک بیشتری میدانند .

از طرف دیگر محاکم نیز ممکن است باظهارات اشخاصیکه از مواد مزبور استفاده میکنند در احکام خود استناد نمایند لذا از اینجهت نیز باید مسئله مورد مطالعه قرار گیرد که آیا اظهارات اشخاص مرقوم در حکم اعتراف و یا واجد آثار اعتراف است یا نه و آیا بمنزله شهادت میتواند تلقی گردد و هرگاه مشمول هیچکدام نباشد آیا استناد بآن برای محکومیت اشخاص مجوزی خواهد داشت یا نه .

بنظر بنده که عبارات مواد سابق الذکر نیز هرگاه بدقت خوانده شود آنرا تأیید میکند - مفهوم این مواد آن است که اظهار اشخاصی که از معافیت استفاده میکنند فقط اثر گزارش و اطلاعی را دارد که آن گزارش و اطلاع اگر مفید واقع شد یعنی راهنمایی برای کشف جرم کرد و موجبات تسهیل تعقیب را فراهم آورد سبب معافیت اظهارکننده از مجازات خواهد شد . بنا بر این هرگاه این اظهارات سبب دست آوردن دلائلی شد که مثبت جرم باشد از آن دلائل باز پرس باید استفاده کند و آنرا مدرک قرار مجرمیت قرار دهد نه اینکه فقط اظهار اینگونه اشخاص را مدرک مجرمیت دیگران قرار دهد و برای اظهارات اینگونه اشخاص اثر اعتراف قائل شود . در حقیقت وقتی باز پرس ها باشخاصی استفاده از مواد مذکور را توصیه میکنند باید بدانند که اظهار این اشخاص بمنزله گزارشی است و بس و این

خود باز پرس است که از اطلاعات این اشخاص برای کشف جرم باید استفاده کند و اگر راهنمایی این اشخاص آنقدر مفید باشد که باز پرس را بتواند موفق بکشف ادله جرم کند معافیت پاداش آن هاست و هر گاه غیر از این از مواد مزبور استفاده شود سبب خواهد شد که در آینده باز پرس ها برای زودتر رسیدن به نتیجه فشار خود را روی این مواد بگذارند و فن استنطاق و تحقیق از تکامل باز بماند .

اکنون بدانیم چرا اظهارات اینگونه اشخاص دارای آثار قانونی بر علیه دیگران نیست .

اعتراف : اشتباهی که میشود این است که اظهارات اینگونه اشخاص را بمنزله اعتراف میدانند و حال آنکه چنین نیست . اقرار بموجب تعریف قانون عبارت از اخبار بحقی است برای غیر بر ضرر خود . در اینگونه موارد اظهاری که شخص میکند چون بر علیه خود اوست لذا نسبت بخود او سندیت دارد اما چون خود او در نتیجه وعده قانون معاف میگردد بنا بر این از این اقرار استفاده نمیشود .

آیا اقرار کسی در باره دیگری نافذ است ؟ قانون مدنی تکلیف ایتمورد را نیز تعیین و صریحا مقرر میدارد که اقرار هر کس نسبت بخود آن شخص و قائم مقام او نافذ است و در حق دیگری نافذ نیست .

علیهذا هر گاه اظهارات اینگونه اشخاص را در حکم اعتراف بدانیم مخالفت آن با قانون و اصول کلی مجرمانه است . و موضوع از کثرت وضوح محتاج بی بحث نخواهد بود علیهذا اظهارات اشخاص مزبور بعنوان اعتراف بهیچوجه نمیتواند در باره دیگران مؤثر باشد و مواد سابق الذکر هم فقط بحث از اظهارات آنها در مواردی که موجب تسهیل تعقیب سائرین را فراهم نماید نموده و کاملا واضح است این تکلیف باشخاص تحت تعقیب بمنظور کمک آنها در کشف جرم است و بعد از اینکه این اشخاص اظهاراتی باینمنظور نمودند با مستنطق و دستگاه تعقیب کیفری همکاری می کنند و اظهاراتشان بیش از اظهارات يك مدعی اتری ندارد و هر گاه اظهارات آن ها موجب کشف ادله و مدارکی گردد خود آن ادله و مدارک است که میتواند مورد

استناد قرار گیرد نه اظهارات اشخاص فوق .

شهادت : آیا اظهارات اشخاص مزبور اثر شهادت را دارد ؟ - بسیار واضح است که اظهارات این اشخاص دارای اثر شهادت نیست و لذا محاکم کیفری نباید احکامی مستند باظهارات این اشخاص صادر کنند و فقط اگر اظهارات این اشخاص در نزد مستنطق موجب جمع آوری ادله و مدارکی شده بهمان ادله و مدارک باید استناد نمایند .

تردیدى نیست که اشخاص مزبور اغلب در نتیجه توصیه مستنطق و تشویق با استفاده از معافیت اظهاراتی میکنند و گذشته از آنکه برای معافیت و نجات خود ممکن است مطابق مذاق مستنطق حرف هائی بزنند یعنی آنچه را که مستنطق بدان مضمون است بدون مطالعه تأیید کنند هیچ جای شبهه نیست که این اظهارات را در عوض چیزی میکنند که عبارت از تحصیل معافیت باشد . و اگر هم این معافیت را قانون قائل شده باشد معذالك اظهار کننده حرفی میزند در مقابل عوض و از همین جهت است که عنوان او با شاهد فرق میکند زیرا شاهد اطلاعی را فقط برای گفتن حقیقت و بدون توجه بطرفین و نتیجه اظهار او در باره خودش میدهد و عوضی را متوقع نیست لذا به بیطرفی و صحت آن میتوان اعتماد نمود اما در موقی که کسی بقصد تحصیل عوضی اظهاری میکند اولاً نفس عمل مزیل حرمتی است که شهادت دار است . ثانیاً مسلماً مورد از مواردی است که اظهار کننده نفعی برای خود تصور میکند و در مواردی که کسی در شهادت داشته باشد شهادت او پذیرفته نمیشود کما آنکه در باب مخصوص بشهادت در قانون مدنی این مسئله قید گردیده است بدیهی است قواعد مربوط باقرار و شهادت همانطوریکه در امور مدنی مرعی است در امور کیفری نیز لازم الرعایه است و مخصوصاً بیشتر باید مورد دقت قرار گیرد و در این موضوع انشاءاله در آینده مقاله جداگانه خواهم نوشت .

خلاصه در هر موردی که محاکم کیفری اظهارات اشخاص را که از معافیت استفاده میکنند دلیل احکام خود قرار دهند بدینمعنی که آثار اعتراف و شهادت را بر آن متراب سازند وظیفه دیوان کشور است که آنچه ان احکام را برای حفظ قوانین نقض نماید